

بیانیه گرایش کمونیسم شورایی

در نقد سخنان مسعود پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل

سخنان اخیر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور رژیم اسلامی، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بار دیگر پرده از ورشکستگی سیاسی و بی‌ارتباطی حاکمیت با منافع ملی مردم ایران برداشت. آنچه او در برابر جامعه جهانی بیان کرد، نه موضعی جدی در دفاع از کشور و نه طرحی برای مقابله با بحران‌های عمیق داخلی و خارجی بود؛ بلکه بازتاب‌دهنده همان سیاست‌های بی‌پایان انفعال، فرافکنی و تسلیم‌پذیری بود که سرنوشت ملت ایران را به ورطه‌ی تاریکی کشانده است.

۱. انفعال سیاسی و بی‌ارتباطی با مسائل حیاتی سیاست خارجی ایران

پزشکیان در سخنرانی خود از پرداختن به بحران‌های واقعی و ملموس سیاست خارجی ایران طفره رفت. در حالی که کشور با تهدیدهای گسترده‌ی ناشی از انزوای دیپلماتیک و فشار قدرت‌های جهانی روبه‌رو است، او به جای طرح راهکار یا موضع روشن، به کلی‌گویی و سخنان بی‌ارتباط بسنده کرد. این انفعال، تصویر حکومتی را نشان می‌دهد که هیچ افق مشخصی برای برون‌رفت از بحران ندارد.

۲. فرافکنی از طریق تکرار مکررات درباره‌ی جنگ غزه

یکی از محورهای اصلی سخنان پزشکیان، بازتکرار شعارها درباره‌ی جنگ غزه بود. در حالی که مردم ایران از او انتظار داشتند در برابر جامعه جهانی به پرسش‌های اساسی درباره‌ی سرنوشت برجام، روابط منطقه‌ای، وضعیت پرونده هسته‌ای و بن‌بست روابط خارجی و پیامدهای تحریم‌ها پاسخ دهد، او بار دیگر مسئله فلسطین را دستاویز قرار داد تا بحران‌های داخلی و خارجی رژیم را پنهان کند. چنین فرافکنی نه تنها کمکی به مردم فلسطین نمی‌کند، بلکه نشانگر عجز حکومت در پاسخ‌گویی به نیازهای فوری جامعه ایران است.

۳. تسلیم‌پذیری در قبال تحریم‌ها و مکانیزم ماشه

یکی دیگر از مضامین سخنان او، پذیرش ضمنی واقعیت تحریم‌های جدید و ناتوانی در مقابله با آن‌ها بود. با توجه به فعال شدن مکانیزم ماشه، کشور در آستانه‌ی ورود به دور تازه‌ای از فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار گرفته است. سخنان پزشکیان نه نشانی از مقاومت مؤثر در برابر این فشارها داشت و نه راهکاری برای کاهش آثار آن بر زندگی مردم. این پیام، چیزی جز تسلیم‌پذیری در برابر پیامدهای سنگین تحریم‌ها نبود. پزشکیان با سخنان مبهم و محافظه‌کارانه، پذیرش پیامدهای سنگین تحریم‌های پیش‌رو را القا کرد؛ تحریم‌هایی که در نتیجه‌ی فعال شدن مکانیزم ماشه می‌توانند بر سرنوشت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران اثر ویرانگر بگذارند.

۴. همسویی با مسیر اعلام‌شده از سوی خامنه‌ای

اظهارات اخیر خامنه‌ای در خصوص توقف مذاکرات، به‌روشنی نشان‌دهنده‌ی انسداد کامل سیاست خارجی رژیم است. سخنان پزشکیان در مجمع عمومی نیز در راستای همین سیاست انزواطلبانه و بی‌دورنما قرار گرفت. نتیجه‌ی چنین همسویی چیزی جز تعمیق بحران، تشدید فشار اقتصادی و تاریک‌تر شدن چشم‌انداز زندگی میلیون‌ها ایرانی نخواهد بود.

۵. فقدان مشروعیت و بی‌مسئولیتی حاکمیت

مجموعه‌ی این مواضع نشان‌دهنده‌ی ماهیت رژیم است که نه تنها توانایی دفاع از منافع ملی را ندارد، بلکه با ناتوانی، بی‌کفایتی و فرافکنی، بحران‌ها را به مردم تحمیل می‌کند. این رژیم مشروعیتی در میان مردم ندارد و استمرار آن چیزی جز تشدید فقر، فشار و بن‌بست برای جامعه به همراه نخواهد داشت. بی‌کفایتی و فرافکنی آشکار در این سخنرانی بار دیگر نشان

داد که حاکمیت کنونی هیچ مشروعیتی در دفاع از منافع مردم ندارد. این رژیم، نه مسئولیتی در برابر رنج‌های جامعه می‌پذیرد و نه توانایی ارائه‌ی راه‌حل دارد. فقدان مشروعیت سیاسی و اخلاقی آن، برآمده از همین ناتوانی ساختاری و بی‌ارتباطی با خواست‌های اکثریت مردم است.

سخنان پزشک‌یان در سازمان ملل، بازتابی صریح از سیاست خارجی شکست‌خورده و ضدملی رژیم اسلامی بود؛ سیاستی که تنها بر بن‌بست دیپلماتیک، انزوای بین‌المللی، و تشدید فشارهای اقتصادی و اجتماعی می‌افزاید. در برابر این وضعیت، اتحاد ملی، اعتراض عمومی و همبستگی اجتماعی ضرورتی فوری است. جامعه‌ی ایران باید در برابر فریب، دروغ‌پردازی و سیاست‌های ویرانگر حاکمیت صدای مستقل خود را به گوش جهان برساند.

گرایش شورایی بر این پاور است که چشم‌انداز رهایی از شرایط کنونی تنها از رهگذر شکل‌گیری بدیل سیاسی مبتنی بر جمهوری دموکراتیک شورایی میسر خواهد شد؛ بدیلی که بر پایه‌ی اراده‌ی مستقیم مردم، مشارکت شورایی در همه‌ی عرصه‌های تصمیم‌گیری، و تحقق آزادی، برابری و عدالت اجتماعی استوار است. آینده‌ای روشن برای ایران تنها در سایه‌ی این بدیل و به‌دست مردم سازمان‌یافته و متحد رقم خواهد خورد.

گرایش کمونیسم شورایی

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵ برابر ۲ مهر ۱۴۰۴